

ویژگی‌های بانکداری اسلامی در کاهش بحران‌های مالی نسبت به بانکداری متعارف

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۳۰

پیام نوروزی*
مسعود زینلی دستمال باف**
سیده محبوبه حسینی***

چکیده

شواهد نشان می‌دهد که بحران‌های مالی متعدد و گاه شدید در نظام بانکداری متعارف رخ داده است. در نگاه اول ممکن است این تصور ایجاد شود که نظام بانکداری اسلامی راه‌حلی برای کاهش بحران‌های مالی ندارد و این نظام بیشتر با جامعه سنتی هم‌خوانی دارد اما در بعد نظری ویژگی‌های این نظام و نظریاتی که در ارتباط با نحوه عملکرد آن وجود دارد گواهی بر این مدعا هستند که تمایلات برای ایجاد بانکداری اسلامی بیش‌ازپیش گسترش یافته است. از این‌رو در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای؛ ضمن ارائه علل وقوع بحران‌های مالی در سیستم مالی غربی، راه‌حل بانکداری اسلامی برای هر یک از دلایل ایجاد بحران بررسی شده و با ذکر دلایلی نشان داده شده است که بانکداری اسلامی در بعد نظری می‌تواند بحران‌های مالی را کاهش داده و می‌تواند راه‌حلی برای سیستم مالی جهانی باشد. ایران بعنوان یکی از کشورهایی که تنها بانکداری اسلامی اجازه فعالیت دارد، تلاش گسترده‌ای در این زمینه انجام داده است. اما متأسفانه بانکداری اسلامی در ایران عملاً نتوانسته نقش خود را به خوبی ایفا کند لذا در پایان مقاله راهکارهایی برای افزایش کارایی بانکداری اسلامی در ایران ارائه شده است.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، بحران مالی، بانکداری متعارف، سیستم مالی جهانی
طبقه‌بندی JEL: G21.

payam_noroozi@gsme.sharif.edu

masoud_zeinali@yahoo.com

smh_economist@yahoo.com

* کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف

** دانشجوی کارشناسی ارشد

*** کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان

مقدمه

علم اقتصاد بحران‌ها را «مرحله‌ای طبیعی از چرخه کسب‌وکار که دوره‌هایش را بر اساس قوانین و پویای خود سپری می‌کند» می‌داند. همه بحران‌ها دارای یکسری ویژگی‌های عمومی همانند برنامه‌ریزی نشده، غیرمترقبه و تقریباً غیرقابل کنترل هستند. بحران نقطه عطف خطیری برای هر ارگانیزم اعم از فرد، جامعه یا سیستم، با توجه به توانایی و آمادگی آن‌ها برای انطباق با شرایط جدید است (حسینی، ۱۳۸۵). از این‌رو مدیریت بحران و یافتن ابزاری که به‌وسیله آن بتوان از بروز بحران‌ها پیشگیری نموده و یا در صورت بروز آن بتوان در خصوص کاهش آثار آن آمادگی لازم، امدادسانی سریع و بهبودی اوضاع اقدام نمود، امری اجتناب‌ناپذیر است.

سیستم‌های مالی نیز همانند سایر سیستم‌ها از وقوع بحران‌ها در امان نیستند. حتی کشورهایی که سیاست‌های پولی و مالی دقیقی اجرا کرده‌اند گرفتار بحران‌های مالی شده‌اند. لیندگرن^۱ و همکاران (۱۹۹۶) گزارش کرده‌اند که در طول دوره ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۶ حداقل دوسوم کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول مشکلات بخش بانکی قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. به‌علاوه گلدشتاین^۲ و ترنر^۳ (۱۹۹۶) دریافتند که به‌طور قابل توجهی بحران‌های مالی در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بیشتر از دهه ۱۹۷۰ و بسیار بیشتر از دوره‌های آرام دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بوده است. همچنین در ۲۰ سال اخیر بحران‌های مالی بیش‌ازپیش شدت گرفته‌اند. بحران مالی اخیر در آمریکا (و سپس سایر کشورها) شاید یکی از بحران‌های بزرگ چند قرن اخیر باشد که موجب کاهش ۲.۵ درصدی تولید ناخالص در جهان گردید. دامنه و شدت این بحران به حدی بود که اقتصاددانان را به سمت شناسایی مشکلات نظام مالی متعارف ترغیب نمود و آنها را به این نتیجه رساند که سیستم مالی جهانی نیاز به یک معماری جدید دارد و تغییرات ظاهری در سیستم مالی موجود به‌تنهایی کافی نیست.

از این‌رو بانکداری اسلامی می‌تواند راه‌حلی برای سیستم مالی جهانی باشد که امروزه شاهد گسترش مؤسسات مالی اسلامی در سطح کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیر اسلامی هستیم. با توجه به تأکید روی مسئله تحریم ربا در بانکداری اسلامی، ثبات و کارایی تأمین مالی در اقتصاد اسلامی نسبت به اقتصاد متعارف بیشتر بوده و استفاده بانکداری اسلامی

1. Carl-Johan Lindgren
2. Morris Goldstein
3. Philip Turner

از عقود مشارکت و مبادله‌ای به‌جای بهره باعث رشد و پیشرفت بیشتری شده و در نتیجه بحران‌های کمتر و کوتاه‌تری ایجاد خواهد شد.

در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای، تلاش شده تا ضمن ارائه علل وقوع بحران‌های مالی در سیستم مالی موجود و دلایل به وجود آمدن بحران مالی در سیستم مالی غربی، راه‌حل بانکداری اسلامی برای هر یک از دلایل ایجاد بحران بررسی شود و با ذکر دلایلی نشان داده شده که بانکداری اسلامی در بعد نظری بحران‌های مالی را کاهش داده و می‌تواند راه‌حلی برای سیستم مالی جهانی باشد.

۱. پیشینه پژوهش

بررسی مزیت‌های بانکداری اسلامی از زمان پیدایش این نوع از بانکداری مورد توجه محققان بوده است. در این میان برخی محققان به بررسی مزیت‌های بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف پرداخته‌اند. برخی از این مطالعات به بررسی مشکلات بانکداری اسلامی در حوزه عمل پرداخته‌اند که این شامل مشکلات قانونی، اجرایی و ... است (توتونچیان، ۱۳۷۹؛ اقبال، ۱۳۸۷؛ اکبریان، ۱۳۸۶؛ موسویان، ۱۳۸۳؛ مجتهد ۱۳۸۴ و...). برخی مطالعات نیز به بررسی برخی ویژگی‌های بانکداری اسلامی در حوزه نظری پرداخته‌اند که نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی ثبات، کارایی، رشد و عدالت بیشتری را نسبت به بانکداری متعارف نوید می‌دهد (موسویان، ۱۳۸۱؛ توتونچیان، ۱۳۷۹؛ جمالیان، ۱۳۸۶؛ عیوضلو و میسمی، ۱۳۸۷؛ AL-Jarhi, 2002, siddigi 2004, chapra, 2007).

اما با ایجاد بحران مالی در سال ۲۰۰۸ تحقیق‌ها برای پیدا کردن راه حلی برای سیستم مالی موجود در دنیا افزایش یافته است. برخی از این مطالعات نشان داده‌اند که بحران مالی ۲۰۰۸ تاثیر ناچیزی بر روی مؤسسات مالی اسلامی داشته است. قضاوی (۱۳۸۸) به ذکر چهار دلیل برای مصونیت بانکداری اسلامی از بحران مالی اخیر می‌پردازد که شامل الف) تأمین مالی مبتنی بر دارایی است. ب) خریدوفروش بدهی محدودیت‌هایی دارد. ج) محدودیت در پیش‌فروش وجود دارد. د) بانک‌های اسلامی بیشتر درگیر سوددهی و دوام‌پذیری کسب‌وکار هستند. حسن‌زاده و فوز مسلمیان (۱۳۸۹) نشان داده‌اند که در طی بحران مالی اخیر (۲۰۰۸) فشار بسیار کمی بر روی صنعت مالی اسلامی وارد شده است. این موفقیت به دلیل محدودیت‌های قوانین اسلامی است، که بر روی معاملات اوراق صکوک اعمال شده بود. آن‌ها همچنین با بررسی انواع اوراق انتشاریافته، اجاره و بعدازآن استصناع را محبوب‌ترین اوراق در

مالی اسلامی می‌داند. محمدتقی نظر پور و همکاران (۱۳۹۱) این فرضیه را اثبات کرده که بانکداری اسلامی توانسته از بحران اقتصادی جهان مصون بماند، به طوری که میزان دارایی‌های بانک‌های اسلامی با وجود بحران به رشد خود ادامه داده است. از جمله دلایلی که آن‌ها بیان کرده‌اند شامل: ممنوعیت انجام معامله‌های ربوی، تأکید بر قراردادهای واقعی، توزیع ریسک سرمایه‌گذاری، برقراری ارتباط میان عرضه پول و بخش واقعی اقتصاد، انعطاف‌پذیری هزینه‌های جذب سرمایه و محدودیت فعالیت‌های سفته‌بازی در نظام بانکداری اسلامی اشاره کرد.

چه این موضوع که بحران مالی تاثیر خاصی بر مؤسسات مالی اسلامی نداشته، مهم است. اما سوال مهم تر آن است که آیا بانکداری اسلامی می‌تواند راه حلی برای سیستم مالی جهانی باشد؟ این سوال مهمی است که در مطالعات کمتر به آن پرداخته شده است. برخی از مطالعات به حوزه‌ای خاصی از بانکداری اسلامی که می‌تواند بحران‌های مالی را کاهش دهد اشاره کرده‌اند. ندری و همکاران (۱۳۹۲) به دلایل ایجاد بحران مالی و نقش بانکداری اسلامی در کاهش زمینه‌های ایجاد بحران اقتصادی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که در دو حوزه آسیب‌پذیری و بی‌ثباتی، بانکداری متعارف با مشکل مواجه می‌شود. آن‌ها بر ظرفیت بالقوه نظام بانکداری اسلامی در کاهش بحران‌های مالی در این دو حوزه تأکید کرده‌اند. از این رو تحقیق حاضر در تلاش است تا ضمن بررسی دلایل ایجاد بحران مالی ۲۰۰۸، نشان دهد که بانکداری اسلامی ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند راه‌حلی برای سیستم مالی جهانی باشد.

۲. بحران مالی در سیستم مالی متعارف و دلایل به وجود آمدن آن

در نگرش نظام‌مند، بحران عبارت است از وضعیتی که نظم نظام اصلی یا قسمت‌هایی از آن در اثر روند طبیعی خود نظام، با اختلال روبرو می‌شود و پایداری آن از بین می‌رود. از این دید بحران نه محصول عامل خارجی؛ بلکه محصول عملکرد غلط نظام در بلندمدت است و برای احتراز یا درمان آن، راهی به جز اصلاح روندها و عملکرد نظام وجود ندارد (ظاهر و کبیر، ۱۳۸۵).

بحران‌های مالی^۱ رویدادهای تکراری اقتصادهای جهان هستند؛ به طوری که برخی از تحقیقات نشان می‌دهد در چهار دهه اخیر بیش از صد بحران اقتصادی و مالی در اقتصاد کشورهای مختلف رخ داده است (استیگلیتز^۲، ۲۰۰۳: ۵۴).

1. Financial Crisis

2. Stiglitz

در خصوص علل ایجاد بحران‌ها نظریه‌های مختلفی وجود دارد. با بررسی ریشه بحران‌های مالی جهان می‌توان وجود ضعف و اخلال در بسیاری از متغیرهای بخش پولی و مالی را علت اصلی ایجاد آن‌ها دانست. بحران پولی، بحران تراز پرداخت‌ها، بحران پرداخت بدهی‌ها، بحران بانکی، بحران ذخایر بین‌المللی، بحران بازار اوراق بهادار و سهام و غیره همگی از مواردی هستند که می‌توان سرچشمه بحران مالی را به آنان مرتبط دانست (ندری، قلیچ و میسمی، ۱۳۹۲). در ادامه به برخی از دلایل شکل‌گیری بحران‌ها اشاره می‌شود.

یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد و گسترش بحران‌ها، استقرار ربوی در نظام بانکی است که آثار ناخوشایندی چون نکول بازپرداخت بدهی‌ها، هجوم به بانک‌ها و نهادهای مالی به‌منظور برداشت سپرده‌ها، ناتوان‌سازی مؤسسات در ادای تعهدات و درنهایت ورشکستگی آنان و سرایت دامنه این بحران به بخش‌های دیگر اقتصاد را به دنبال دارد (چپرا^۱، ۲۰۰۸). کینز یکی از علل اصلی بحران مالی سال ۱۹۲۹ که از امریکا سرچشمه گرفت را جدایی بین بخش پولی و واقعی می‌داند. او در قالب الگوی سه‌بخشی خود وجود بهره را عاملی برای نابرابری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌داند.

$S+G=I+T$

وی استدلال می‌کند در نظام بانکی که دو گروه پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران متفاوت‌اند، وجود بهره باعث می‌شود که همواره پس‌انداز بزرگ‌تر از سرمایه‌گذاری باشد ($S>I$). او دخالت دولت را راه‌حلی برای این مسئله می‌داند و می‌گوید دولت باید با دخالت بیشتر مانع از کمبود تقاضای مؤثر شود (واعظ و ایزدخواستی، ۱۳۹۱). اما این راه‌حل موقتی و کوتاه‌مدت بوده و موجب افزایش نرخ بهره شده که باعث می‌شود منابع بیشتری به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی هدایت شود و شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را بیشتر خواهد کرد (بخشی، ۱۳۸۳). قاعده فریدمن نیز بیانگر آن است که زمانی اقتصاد به سمت بهینه خود حرکت می‌کند که نرخ بهره اسمی صفر باشد و وجود بهره پولی را عاملی برای کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌داند (واعظ و ایزدخواستی، ۱۳۹۱).

از سال ۱۹۸۱ تاکنون آمریکا با چهار بحران روبرو شده است. نخست بحران بدهی بود که در سال ۱۹۸۰ در پی اعتبارات گسترده برای صنعتی شدن در کشورهای امریکای لاتین شکل گرفت (مؤسسه مطالعات امریکای لاتین^۲، ۱۹۸۶: ۶۹). دوم بحران سال ۱۹۸۷ بود که در بازار سهام اتفاق افتاد و در آن شاخص داوجونز در طول یک روز ۲۰ درصد کاهش یافت و باعث

1. Chapra

2. Institute of Latin American Studies

سقوط بازار سهام شد (مشکین^۱، ۲۰۰۷: ۴۵۶)، سوم بحران دات کام در سال ۱۹۹۰ بود که در آن ارزش سهام در بخش اینترنت و زیر بخش‌های مربوط به آن در بازار سهام با رونق روبرو شد که باعث ایجاد سفته‌بازی در سهام و سرانجام ترکیدن حساب مالی و سقوط شاخص‌های مالی شد. ریشه اصلی این بحران‌ها، شکنندگی بازارهای مالی و ناهماهنگی آن با بازار کالا است. این ناهماهنگی زمانی پدید آمد که پول نقشی فراتر از وسیله مبادله در اقتصاد بر عهده گرفت و برای آن قیمتی (نرخ بهره) فارغ از بخش واقعی اقتصاد تعیین شد و واپسین بحرانی هم که به وقوع پیوست، بحران مالی سال ۲۰۰۸ بود که به دلیل پایین بودن نرخ بهره، حمله نظامی به افغانستان و عراق و کاهش مقررات ناظر بر فعالیت بانک‌ها و بازارهای مالی در آمریکا به وجود آمد (نظرپور، رضایی و خزایی، ۱۳۹۰). برخلاف نظر بعضی اقتصاددانان وقوع بحران اخیر ناشی از رکود بخش مسکن آمریکا نبوده بلکه بخش مسکن معلول این بحران قرار گرفت (بیدآباد، ۱۳۸۸). در ادامه به دلایل رخ داد این بحران اشاره می‌کنیم.

به دنبال حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ به برج‌های تجارت جهانی و همچنین حملات آمریکا به افغانستان، بازار آمریکا مستعد رکود اقتصادی شد. به علت نا اطمینانی پدید آمده به آینده اقتصاد آمریکا و پیش‌بینی رکود، بازارهای مالی این کشور با پدیده خروج نقدینگی روبه‌رو شد. فدرال رزرو به دنبال راهی برای خارج شدن از وضعیت رکود، سیاست انبساطی پولی را در نظر گرفت که موجب افزایش قیمت اوراق قرضه این کشور و کاهش نرخ بهره شد. (نرخ بهره از ۶.۵ درصد به ۱ درصد کاهش یافت) وجوه استقراضی باعث افزایش قیمت زمین و مسکن و نیز دارایی‌های مالی در آمریکا شد. اما در ماه ژوئن سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ نرخ بهره از ۱ درصد به ۵ درصد افزایش یافت. این مسئله به همراه افزایش وام‌های بدون پشتوانه موجب کاهش قیمت مسکن و سایر دارایی‌ها و وقوع بحران مالی در آمریکا شد. سیاست‌های اشتباه دولت و مجلس آمریکا نیز به گسترش بحران دامن زد. در زیر دلایل وقوع این بحران مالی به‌صورت خلاصه بیان شده است.

الف) بدهی کابوس قرن ۲۱ است

بدهی ایالات متحده در سال ۲۰۱۱، ۳۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی است در حالی که در سال ۱۹۲۹ تنها ۱۹۰ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. بدهی جاری این کشور در سال‌های اخیر ۱۳۴۰۰ تریلیون دلار بوده است. در سال ۲۰۱۱ بدهی‌های جاری جدید این کشور به ۱۳۰۰ تریلیون دلار رسید و این در حالی است که تنها ۲۸۰ تریلیون دلار به تولید ناخالص

آمریکا اضافه شده است. یعنی بدهی‌ها با رشد بسیار بیشتری از تولید در حال افزایش است. اما نظام سرمایه‌داری برای بقای خود به بدهی بیشتر و بیشتر نیاز دارد. محاسبه بدهی بالقوه بسیار دشوار است اما برخی از تحلیلگران بدهی بالقوه آمریکا را هزاران تریلیون دلار می‌دانند. بدهی‌های بسیار زیاد شرایط ویژه‌ای برای توسعه مالی سرمایه‌داری فراهم آورده است. حال بعضی از کشورهای اروپایی نظیر یونان، ایتالیا و اسپانیا و حتی فرانسه در مدیریت بدهی‌ها با مشکلاتی روبرو شده‌اند.

ب) سرمایه‌داری همراه با حرص و طمع است.

تنها هدف در نظام سرمایه‌داری فایده‌گرایی است. برای بسیاری از معامله‌گران و صندوق‌های سرمایه‌گذاری (مؤسسات مالی) هدف در نفع‌رسانی به بنگاه و مشتریان خلاصه می‌شود. اما برای هر فعالیتی حرص و طمع اندک باعث رشد می‌شود اما در نظام سرمایه‌داری هدف غایی کسب سود بیشتر است. در طول بحران بسیاری از بانکداران و معامله‌گران بانک‌ها مؤسسات همچون جی پی مورگان^۱ و گلدن^۲ به دلیل انتقادهای شدیدی که به این تفکر (حرص و طمع) داشتند استعفا دادند.

ج) رفتار دوگانه اقتصاد در قرن اخیر

اقتصاد تا قرن بیست و یکم بر توسعه واقعی استوار بود (دارایی حقیقی مانند زمین، کالا، کارخانه و غیره) اما در قرن بیست و یکم با گسترش بیش از اندازه حوزه مالی، اقتصاد دیگر وابستگی مستقیمی با دارایی واقعی نداشت. حدود ۵۰۰ تریلیون اوراق مشتقه وجود دارد که دوازده برابر اقتصاد واقعی است و اکنون حوزه مالی بر اقتصاد واقعی غلبه دارد.

د) سفته‌بازی

اقتصاد جدید فرصت جدیدی برای سفته‌بازی فراهم آورده است. البته سفته‌بازی از دیرباز برای پوشش ریسک در اقتصاد واقعی بکار برده می‌شد. اما در دوره اخیر سفته‌بازی به یک شغل مالی تبدیل شده است (میسرن^۳ و تیلن^۴، ۲۰۰۸).

ه) اعطای وام بیش از حد توسط بانک‌ها: زیرا مدیران بانک‌ها می‌توانند با اعطای وام بیشتر و اهرم مالی بالاتر سود خود را افزایش دهند. البته این مسئله موجب افزایش ریسک سرمایه بانک‌ها می‌شود که معمولاً مدیران بانک‌ها بدان توجه نمی‌کنند.

1. J.Pmorgan
2. Golden
3. Moisseron
4. Teulon

۳. ویژگی‌های بانکداری اسلامی در بعد نظری نسبت به بانکداری متعارف

یکی از اهداف مهم اسلام تحقق بخشیدن به عدالت بیشتر در جامعه انسانی است. این هدف ممکن نیست مگر اینکه تمام نهادهای انسانی از جمله سیستم مالی به سمت این هدف حرکت کنند. یکی از نیازهای اصلی برای این موضوع این است که تمام جنبه‌های زندگی انسان مانند اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی به ارزش‌های اخلاقی برگردد (چپرا، ۱۳۸۸). تفاوت اصلی بانکداری اسلامی و متعارف را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود: اول آنکه در بانکداری اسلامی اعطای تسهیلات منوط به قراردادهای واقعی مبتنی بر تهیه و ارائه کالا و خدمات حقیقی است و قراردادها نمی‌توانند از اقتصاد واقعی پیشی بگیرند. دوم آنکه در بانکداری اسلامی از متغیر سود قراردادهای واقعی به جای بهره استفاده می‌شود. گرچه نرخ بهره اسمی در بلندمدت تابعی از نرخ بهره واقعی است. ولیکن در قراردادهای بانکی بیشتر از همه از بازار پول و عوامل پولی متأثر می‌باشد. سوم الزام بانک‌های اسلامی به عنوان وکیل سپرده‌گذاران در نظارت و بررسی توجیه فنی و اقتصادی پروژه‌هایی است که از بانک تأمین مالی شده‌اند (موسویان، ۱۳۸۸). لذا این ویژگی‌های بانکداری اسلامی موجب امتیازاتی برای آن شده است.

۳-۱. ویژگی‌های بانکداری اسلامی

۳-۱-۱. مصونیت از سرمایه‌های خارجی

در یک ساختار اسلامی به‌ندرت پیش می‌آید که ورود سرمایه خارجی به‌صورت وام باشد، چون که در این حالت هیچ سودی به آن تعلق نخواهد گرفت. این سرمایه می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه محلی به‌منظور اجرای پروژه‌های میان‌مدت و بلندمدت و یا کوتاه‌مدت باشد، یا این که در قالب قراردادهای مضاربه صورت پذیرد. با این‌همه، قراردادهای دیگری در قالب اوراق و اسناد مالی مانند اجاره، سلم و استصناع نیز قابل اجرا می‌باشد. علاوه بر این‌ها، دو نوع سرمایه‌گذاری خارجی، یکی شراکت بلندمدت و سرمایه‌گذاری مراحبه‌ای و دیگری سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت در سهام مشترک و نیز اسناد مالی نیز وجود دارند که در همگی آن‌ها یک نقطه مشترک وجود دارد. در این نوع سرمایه‌گذاری‌ها بی‌ثباتی و نابسامانی ناشی از خروج سرمایه خارجی به حداقل می‌رسد (صدیقی، ۱۳۸۳). از آنجا که یکی از دلایل وجود بحران‌های مالی در برخی کشورها خروج سرمایه‌های خارجی بوده است. (مثلاً خروج سرمایه‌های خارجی در ترکیه در سال ۱۹۷۷ موجب ایجاد بحران در این کشور شده است). لذا این مسئله می‌تواند از وجود بحران‌های مالی بکاهد.

۲-۱-۳. تأکید بر دارایی‌ها به جای بدهی‌ها

در مالیه اسلامی تأکید بر وام‌دهی به متقاضیان از محل دارایی‌هاست نه از محل بدهی‌ها. از نظر عالمان مالیه اسلامی، اتکای بیش از حد به بدهی‌ها به عنوان منبع تأمین سرمایه موردنیاز برای وام‌دهی و دیگر عملیات بانکی و اعتباری، اقدامی پرخطر و چالش‌برانگیز تلقی می‌شود و ارجح‌تر آن است که برای اعطای تسهیلات به شرکت‌ها، اشخاص و حتی دولت‌ها از دارایی‌های موجود و با رعایت اصل سهیم بودن در سود و زیان استفاده شود. با استفاده از عقود اسلامی که اشخاص و شرکت‌ها می‌توانند در موقع نیاز و موارد ضروری، کالاها و خدمات موردنیاز خود را اول بخرند یا اجاره کنند. سپس پول آن را طی مدتی مشخص بپردازند (چپرا، ۱۳۸۸، واعظ، ۱۳۹۱).

البته اتکای بیشتر به سرمایه به معنای رد تأمین مالی از طریق بدهی نیست. زیرا تمام نیازهای مالی، افراد شرکت‌ها و دولت‌ها نمی‌تواند از طریق سرمایه تهیه شود. بنابراین وجود بدهی ضروری است اما نباید از برای مصارف غیرضروری و سفته‌بازی استفاده شود. بلکه نیاز است بدهی از طریق فروش و اجاره دارایی‌های واقعی مانند مدل‌های تأمین مالی اسلامی می‌باشد (چپرا، ۱۳۸۸).

۲-۱-۳. تحقق عدالت بیشتر در جامعه

حذف ربا منجر به تسهیم ریسک سرمایه‌گذار بین وام‌دهنده و استقراض کننده می‌شود. به علاوه با منوط کردن سود به عملکرد سرمایه‌گذاری تجاری، عواید حاصله در مواقع مختلف منصفانه‌تر خواهد بود. نکته آخر آنکه عواید صرفاً زمانی محقق می‌شود که افزایش را در ارزش اولیه سرمایه‌گذاری که نهایتاً کل جامعه منتفع خواهد ساخت، شاهد باشیم. همچنین سیستم مشارکت در سود و زیان انسجام بیشتری در طبقات مختلف ایجاد می‌کند. زیرا منابع مالی به صورت مساوی در دسترس هر فرد کارآفرین و صاحب ایده ثمربخش خواهد بود (ظاهر و کبیر، ۱۳۸۵).

۲-۱-۴. کارایی بیشتر سرمایه

در رابطه با کارایی تخصیص سرمایه نیز، سیستم وام‌دهی ربوی با امکان تعدیلاتی برای ریسک سرمایه عموماً به اعتبار تسهیلات گیرندگان تأکید داشته و کمتر به ثمر دهی و بازدهی پروژه توجه می‌کند. در حالی که بانکداری مبتنی بر مشارکت در سود و زیان تخصیص منابع به

سودآورترین سرمایه‌گذاری‌ها تعلق گیرد. زیرا در این حالت، سهم مورد انتظار از بازده سرمایه‌گذاری مطلوب‌تر است. به‌علاوه مشارکت در سود موجب می‌شود وام‌گیرنده از ارتباط کاری نزدیک‌تری برخوردار شوند که این مهم خود حصول اطمینان از موفقیت سرمایه‌گذاری را در پی خواهد داشت و درنهایت برای جامعه مثمر ثمر تر خواهد بود (ظاهر و کبیر، ۱۳۸۵).

همچنین در نظام اسلامی مبتنی بر مشارکت صاحب سرمایه به سودآوری بنگاه، علاقه جدی و دلبستگی واقعی دارد. زیرا سهم سود وی تابع مستقیمی از سودآوری بنگاه بوده و طبیعی است که او نیز در پی بالا بردن کارایی بنگاه بوده و از هر طریقی به بنگاه کمک می‌کند (موسویان، ۱۳۸۱). مثلاً بانک با بررسی بنگاه در مواقعی که به سرمایه در گردش احتیاج دارد می‌تواند با افزایش سهم خود از سود و زیان، منابع لازم را برای بنگاه فراهم کند یا مواقعی که بنگاه با مازاد سرمایه مواجه است بانک می‌تواند با کاهش سهم خود از سود و زیان منابع مازاد را به دیگر فعالیت‌ها اختصاص دهد.

درحالی‌که در نظام بهره، هدف اصلی دریافت‌کننده بهره، درآمد خود اوست و به درجه کارایی بنگاه چندان دلبستگی ندارد. از این رو در نظام مشارکت، هدف صاحب سرمایه با هدف کارفرما هماهنگ است. درحالی‌که در نظام استفاده از بهره اگر منافع تضادی نداشته باشد که در برخی مواقع دارد، دست‌کم لزوماً هم سو نیست (موسویان، ۱۳۸۱).

۵-۳. افزایش ثبات در جامعه

در مورد ثبات نیز اقتصاددانان مسلمان بر این باورند نظام بانکداری ربوی موجب تورم است. زیرا ایجاد درآمد از رابطه مستقیمی با بازدهی و ثمر دهی سرمایه‌گذاری برخوردار نبوده و لذا هزینه بیشتری به جامعه به دلیل پرداخت برای پروژه‌های ناموفقی که هیچ‌گونه منفعت اقتصادی نداشته‌اند، تحمیل می‌شود (ظاهر و کبیر، ۱۳۸۵).

همچنین در نظام مالی اسلامی که بر مبنای مشارکت فعالیت می‌کند دوره‌های رونق و رکود کمتری وجود دارد زیرا در نظام اسلامی به دلیل تعدیل سودها و ضررهای احتمالی و تقسیم آن بین تولیدکنندگان و صاحبان سرمایه، نه در حالت بهبود، سرمایه‌گذاری متورم می‌شود و رونق لجام‌گسیخته رخ می‌دهد، و نه در وضعیت رکود به دلیل ترس از خطر و نا اطمینانی، رکود عمیق‌تر می‌شود اما در بانکداری متعارف در مواقعی که انتظار بهبود وضعیت اقتصادی را دارند، برای دستیابی به سود بالاتر به سرمایه‌گذاری گسترده اقدام می‌کنند و این موجب رونق لجام‌گسیخته می‌شود و مواقعی که انتظار رکود اقتصادی وجود دارد، برای پرهیز از

زبان‌های احتمالی، از سرمایه‌گذاری خودداری می‌کنند، و این وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی و عمیق‌تر شدن رکود را در پی دارد. در نتیجه، اقتصاد همیشه با دوره‌های شدید رونق و رکود مواجه است (موسویان، ۱۳۸۱).

۳-۱-۶. منطبق بودن با اخلاق انسانی

ویژگی دیگر بانکداری اسلامی منع فعالیت‌های حرام و سرمایه‌گذاری در بخش نامطلوب است. این ویژگی بانکداری اسلامی باعث می‌شود از گسترش فساد جلوگیری کرده و به گسترش فعالیت‌های مولد کمک می‌کند. در کشورهای غربی نیز بعضی مؤسسات به وجود آمده‌اند که سرمایه‌گذاری مولد و اخلاق‌گرایانه متعددی را برای مشتریان خود پیشنهاد می‌کنند. مثلاً مؤسسه "مشاوره‌های تأمین مالی اخلاق‌گرایانه" در سال ۱۹۹۷ به وجود آمده و رعایت موارد زیر را برای مشتریان خودش در فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری پیشنهاد می‌کند:

حفاظت از محیط‌زیست و گسترش فضای سبز

انجام فعالیت‌های خیریه و دادن صدقه

مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی

دوری جستن از استثمار نیروی کار

رستگاری انسان‌ها و سعادت همگانی

تحریم شرکت‌های فعال در حوزه‌هایی چون فساد و فحشا (ادواردز، ۱۳۸۵).

اما در کل بانکداری متعارف از آنجاکه رابطه سرمایه‌گذار با بانک قطع می‌شود سرمایه‌گذار می‌تواند در هر فعالیتی که سودآور بداند سرمایه‌گذاری کرده و لذا ملاحظات اخلاقی از بین می‌رود. ولی در بانکداری اسلامی از آنجاکه سرمایه‌گذار رابطه‌اش با بانک رابطه‌اش قطع نمی‌شود لذا نمی‌تواند در فعالیت‌هایی که از نظر شرع اسلام ممنوع است سرمایه‌گذاری کنند.

۴. بانکداری اسلامی در عمل

امروزه شاهد گسترش مؤسسات مالی اسلامی در سطح کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیر اسلامی هستیم. دو علت اصلی این رشد چشمگیر مربوط به، رشد تنوع و کارایی عقود اسلامی و عامل دوم مربوط به بحران‌های مالی سال‌های اخیر در کشورهای توسعه‌یافته است. در بعضی از کشورهای اسلامی مانند مالزی از هر دو نوع بانکداری متعارف و اسلامی استفاده می‌کنند. در واقع هر کشوری بر طبق خواسته خودش از مؤسسات مالی اسلامی و یا

سیستم مالی متعارف بهره می‌برد. در بعضی دیگر از کشورها، مثل ایران تنها بانکداری، بر اساس موازین اسلامی امکان دارد و هرگونه عملیات بانکی بر پایه ربا غیرقانونی است. در کشورهایی که از هر دو نوع بانکداری متعارف و اسلامی استفاده می‌کنند، بانکداری متعارف رقیبی برای بانکداری اسلامی به شمار می‌آید. از آنجایی که بانکداری متعارف محدودیت‌های بانکداری اسلامی را در خود ندارد و راه‌های متنوع ربوی زیادی پیشرو دارد.

ممکن است برای کسانی که صرفاً به دنبال سود هستند بانکداری متعارف مزایای بیشتری در برابر بانکداری اسلامی داشته باشد. ممکن است تصور شود که در کشورهایی که از هر دو سیستم مالی اسلامی و متعارف استفاده می‌کنند کار سخت‌تری پیشرو داشته باشند اما شواهد نشان می‌دهد وجود رقیب باعث تلاش بیشتری در حوزه بانکداری اسلامی شده است.

بانکداری اسلامی به دلیل عدم استفاده از قرض ربوی در مقایسه با بانکداری متعارف پر ریسک تر است. زیرا یکی از کم‌کاری‌های بانکداری متعارف را نمی‌تواند بکار گیرد. لذا باید دقت بیشتری را برای کنترل و مدیریت سرمایه‌ها مبذول داشت. برای این کار نیاز به مهارت‌های مدیریت ریسک اعتباری است. علاوه بر این فرآیندهایی چون، کنترل پروژه و ارزیابی و طرح‌ها نیز از ملزومات بسیار مهم بانکداری اسلامی بشمار می‌رود (ادواردز، ۱۳۸۵).

بانک‌های اسلامی باید از واسطه‌گری خنثی به واسطه‌گری فعال تبدیل شوند. این اقدامات برای بانک‌ها مسلماً هزینه‌های در بر خواهد داشت. اما این هزینه‌ها جدید با مشارکت در سود پروژه‌ها، کارمزد بیشتر و همچنین کاهش هزینه‌ها قابل جبران است. در این صورت بانک‌ها با استفاده از توانایی‌های ذکر شده قادر خواهند بود که با تفکیک سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با ریسک‌های متفاوت بازدهی‌های متنوعی کسب کنند. حتی بانک‌ها می‌توانند حق انتخابی برای سپرده‌گذاران فراهم آورند و امکان سپرده‌گذاری بر روی دارایی‌های پر ریسک را بدهند. در این حالت سود از بخش واقعی اقتصاد به دست آمده است.

دو سیستم بانکداری متداول یورنیورسال و انگلوساکسون در دنیا وجود دارد بانکداری اسلامی نزدیک‌تر به بانکداری یورنیورسال است زیرا در هر دو سیستم بانکی هدف مشارکت سپرده‌گذاران در پروژه‌ها است. اما در بانکداری انگلوساکسون سود به صورت ثابت (از قبل تعیین) به سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود. اما در عمل بانکداری اسلامی به سمت بانکداری انگلوساکسون حرکت کرده است. بانکداری اسلامی در عمل تمرکز خود را بر روی قراردادهای مبادله‌ای معطوف کرده است. شیوه عملکرد بانک‌ها تحت عنوان قراردادهای مبادله‌ای نظیر اجاره به شرط تملیک، خریدوفروش اقساطی و اوراق صکوک تنها با قرض ربوی در قالب حقوقی

متفاوت هستند و به لحاظ اقتصادی تفاوت ماهوی با قرض ربوی ندارند زیرا بندهای این قراردادها در بعضی موارد رعایت نمی‌شود. در چنین شرایطی قراردادهای مبادله‌ای برای مؤسسات مالی، با وجود ماهیت غیر اسلامی آن جذاب‌تر بوده است. دو عامل اساسی زیر در مورد قراردادهای مشارکتی، بانک‌ها را برای حرکت به سمت قراردادهای مبادله‌ای غیر اسلامی تشدید می‌کند. مورد اول مربوط به درجه ریسک‌پذیری سپرده‌گذاران می‌شود و مورد دوم مربوط به پیچیدگی‌های تعیین ریسک و عدم اطمینان در سرمایه‌گذاری است. برای روشن‌تر شدن بحث لازم است ابتدا ریسک بازار و ریسک اعتباری را تعریف می‌کنیم. ریسک بازار خطری است که از جانب متغیرهای اقتصاد کلان مانند تورم، نرخ بهره، نرخ ارز و دیگر متغیرهای اقتصاد کلان متوجه دارایی‌ها خواهد شد. ریسک اعتباری خطرات ناشی از عدم صحت اطلاعات، عدم اجرای تعهدات و اجرای ناقص قراردادهاست (بحرینی، ۱۳۸۷).

در قراردادهای مبادله‌ای به علت ثابت بودن نرخ سود ریسک اعتباری زیادی وجود ندارد و حتی ریسک بازار هم تأثیری خاصی بر روی قراردادها ندارد. اما در قراردادهای مشارکتی به دلیل آن که هر عاملی که پروژه را با مشکل مواجه کند عملاً در میزان سودآوری پروژه و سود سپرده‌گذاران تأثیر خواهد داشت ریسک اعتباری به معنای واقعی خود را نشان می‌دهد.

عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از دو پدیده انتخاب معکوس^۱ و خطر اخلاقی^۲ است. انتخاب معکوس معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که کارآفرینانی که پروژه مورد نظرش ریسک بالایی دارد خواهان جلب مشارکت هست. در نتیجه ریسک پروژه را به سپرده‌گذاران منتقل می‌کند. اما خطر اخلاقی بدین معنی است که وام‌گیرنده از کوشش برای سودآوری پروژه مورد نظر خودداری کند. سومین عامل برای عدم تقارن اطلاعات مربوط به مسئله نمایندگی می‌شود. در مسئله نمایندگی ممکن است مدیران شرکت تصمیمی در جهت منافع خود بگیرند که با منافع سپرده‌گذاران در تناقض باشد.

از دیدگاه کارآفرین دو نوع تأمین مالی، با بازده ثابت و حق مالی داریم. در شرایط اطمینان کارآفرین علاقه‌مند به تأمین مالی از طریق بازده ثابت است اما در شرایط عدم اطمینان ریسک پروژه‌ها زیاد خواهد بود و تمایل کارآفرین به سمت اشتراک‌گذاری ریسک است

1. Adverse selection

2. Moral hazard

بنابراین علاقه‌مند به تأمین مالی به صورت حق مالی است. اما از دیدگاه بانک‌ها در شرایط اطمینان بهتر است از سرمایه‌گذاری مشارکتی استفاده شود و در شرایط عدم اطمینان از سرمایه‌گذاری با بازده ثابت (بهره ثابت) بهره‌مند شوند. در نتیجه در شرایط عدم اطمینان هزینه‌های مالی از طریق حق مالی به طور نسبی از هزینه‌های تأمین مالی به صورت بازده ثابت بیشتر خواهد بود. بنابراین در شرایط عدم اطمینان بانکداری اسلامی به سمت قراردادهای مبادله‌ای حرکت می‌کند. برخی از اقتصاددانان مسلمان نیز نشان داده‌اند که این امتیاز روش تأمین مالی مشارکتی در صورتی است که اولاً پدیده «عدم تقارن اطلاعاتی» و دو خطر ناشی از آن یعنی «انتخاب معکوس» و «خطر اخلاقی» در جامعه جدی نباشد؛ و ثانیاً جامعه در شرایط عدم اطمینان قرار نداشته باشد. در غیر این صورت، التزام به بانکداری اسلامی ممکن است از طریق افزایش هزینه تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه مبادله و افزایش خطر احتمال ورشکستگی بانک‌های اسلامی، به کند شدن حرکت توسعه بینجامد (بحرینی، ۱۳۸۷).

۵. مشکلات بانکداری اسلامی در مقابل بانکداری متعارف

با توجه به ماهیت فعالیت‌های بانک‌های اسلامی که بخش عمده‌ای از آن را فعالیت‌های مشارکتی تشکیل می‌دهد. ماهیت ریسک‌های بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف متفاوت است. زیرا ماهیت تأمین مالی بانکداری اسلامی با تأمین مالی بانکداری متعارف کاملاً متفاوت است.

منابع مالی در بانکداری اسلامی شامل منابع قرض‌الحسنه، منابع سپرده‌گذار و منابع سرمایه است. منابع قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری متعلق به بانک می‌باشد. بر اساس موازین شرعی در قرض مالکیت منتقل می‌شود. اما سپرده‌ها دیگر وکالتی، هم‌تراز منابع بانک هستند. بانکداری اسلامی برای پرداخت نرخ بازده مناسب تحت فشار هستند. زیرا بازده باید به گونه‌ای باشد که انگیزه کافی برای نگهداری سپرده‌هایشان وجود داشته باشد. در بانکداری متعارف اصل و سود تضمین شده است. اما در بانکداری اسلامی چون بیشتر از قراردادهای مشارکتی استفاده می‌کنند در سود و زیان هر دو طرف شریک هستند.

در بانکداری اسلامی در هر پروژه‌ای که تسهیلات گیرنده، سرمایه لازم را از بانک دریافت می‌کند اطلاعات کاملی نسبت به پروژه دارد. اما بانک اطلاعات لازم را در خصوص میزان بازده و هزینه‌ها ندارد. از طرفی در قراردادهای مشارکتی امکان قصور از طرف عامل وجود دارد ولی برای بانک توان تشخیص وجود ندارد. عامل بعدی مربوط به هزینه‌های کنترل و

نظارت پروژه است. با توجه به اینکه بانک قراردادهای مشارکتی بسیار زیادی با فعالان اقتصادی منعقد می‌کند. بررسی تک‌تک این پروژه‌ها هزینه بسیاری دارد. شاید این هزینه‌ها سودهی بانک را تحت شعاع قرار می‌دهد. یکی دیگر از مشکلات بانکداری اسلامی در قراردادهای مشارکتی عدم رعایت سرمایه‌گذاری در مورد توافق طرفین است. تسهیلات گیرنده به دلیل نبود امکان بررسی و نظارت از طرف بانک ممکن است سرمایه را در پروژه دیگر هزینه کند. ایجاد مؤسسه‌ای ناظر میان بانک و سرمایه‌گذارانی که با بانک عقد مشارکت می‌بندند زیر نظر بانک مرکزی می‌تواند این مسئله را کاهش دهد. ایجاد این مؤسسه موجب می‌شود که شفافیت بیشتری صورت گرفته و در زمانی که بانک و مشتری بر سر میزان سود حاصل از پروژه‌ها اختلاف نظر پیدا کنند. این مؤسسه نظر نهایی را صادر کند.

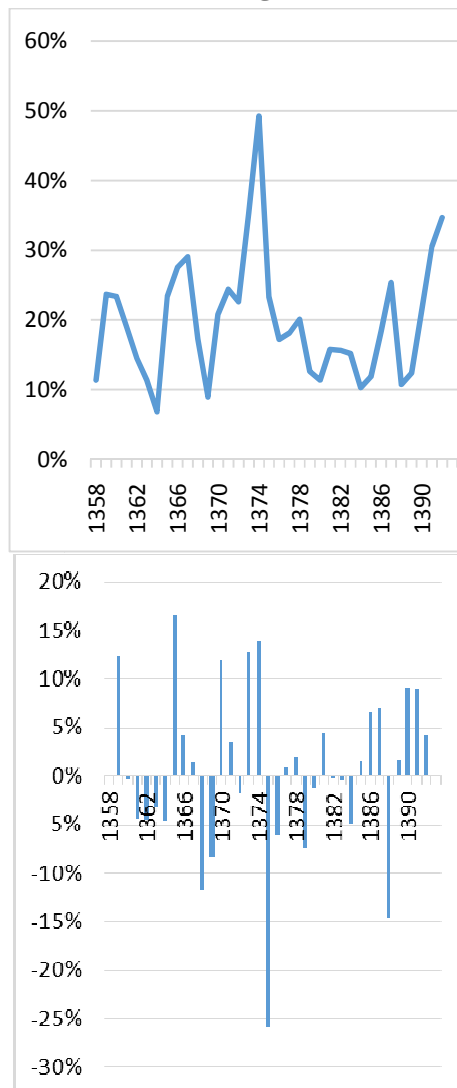
مشکل بعدی در مورد قراردادهای مشارکتی مسئله خطر اخلاقی بین بانک و مشتری است که به این صورت است که بانک از حداکثر تلاش لازم برای سودآوری سرمایه سپرده‌گذاران خودداری کند. مثلاً مشاهده می‌شود که بانک‌ها به شرکت‌های بزرگ از محل سرمایه سپرده‌گذاران تسهیلات با نرخ سود پایین می‌پردازند تا بتوانند کلیه فعالیت‌های اقتصادی بنگاه را انجام داده و از آن‌ها کارمزد بگیرند و این کارمزد متعلق به بانک بوده و به سپرده‌گذار تعلق نمی‌گیرد. در این شرایط پیشنهاد می‌شود انجمن‌هایی به نمایندگی از سپرده‌گذاران در بانک‌ها تشکیل شود. این انجمن‌ها (چون خودشان در سود و زیان بانک‌ها نظارت دارند) به بانک‌ها اجازه نمی‌دهند سپرده‌های آن‌ها در پروژه‌ها کم سود سرمایه‌گذاری شود.

اما قراردادهای مبادله‌ای شباهت‌های بیشتری با بانکداری متعارف دارد. این قراردادهای خود دارای ریسک اعتباری و ریسک ناشی از نوسانات قیمتی هستند اما مشکلات ذکر شده بالا را ندارند (کاظمی نژاد، ۱۳۸۸).

۱-۵. اثرگذاری ریسک‌ها در بانکداری اسلامی

همان‌طور که بیان شد از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر مشارکت ریسک بازار است. خطرهای که از جانب بعضی از متغیرهای کلان اقتصاد مانند تورم، کسری بودجه و نرخ ارز، دارایی‌ها را تهدید می‌کند ریسک بازار می‌نامیم. برای مثال در ایران که جزء معدود کشورهای است که تنها از بانکداری اسلامی استفاده می‌کند. نمونه‌ای از تلاطم متغیرهای تورم و کسری بودجه را بررسی می‌کنیم. تورم و تغییرات تورمی طی سال‌های ۵۹ تا ۹۲ به صورت زیر می‌باشد.

شکل (۱): تورم و تغییرات آن در طی سال‌های ۵۷ تا ۹۲ (منبع: بانک مرکزی)



همان‌طور که مشاهده می‌شود تغییرات تورم بسیار زیاد است و امکان پیش‌بینی وجود ندارد و حتی بعضی از سال‌ها ۲۵ درصد تورم با سال قبل تفاوت دارد. این تفاوت‌ها نا اطمینانی را در فضای اقتصاد افزایش می‌دهد و در نتیجه افرادی با درجه ریسک‌پذیری بالا نیز ممکن است به سمت سرمایه‌گذاری در فعالیتهای بدون ریسک حرکت کنند. اگر متغیرهای اقتصاد کلان به ثبات برسند مسلماً ریسک بازار و نا اطمینانی فعالان بازار کاهش پیدا می‌کند و عملاً سرمایه‌گذاری معنا پیدا می‌کند و سپس مشارکت در فعالیتهای اقتصادی افزایش خواهد یافت. همان‌طور که در قسمت قبل بیان شد در شرایط نا اطمینانی هزینه‌های تأمین مالی از طریق حق مالی افزایش می‌یابد بنابراین بانکداری اسلامی به سمت قراردادهای مبادله‌ای حرکت می‌کند تا با این هزینه‌ها درگیر نشود.

جمع بندی و نتیجه گیری

این تحقیق تلاش نمود تا ضمن بررسی دلایل وقوع بحران مالی در سیستم مالی جهانی، به این مسئله بپردازد که بانکداری اسلامی چه در سطح نظری و چه در عمل، می‌تواند بحران‌های مالی را کاهش داد و راه حلی برای سیستم مالی جهانی باشد. از این رو ابتدا دلایل وقوع بحران در سیستم مالی متعارف بررسی شد. از جمله دلایل وقوع بحران‌ها در بانکداری متعارف عبارتند از : وجود بدهی زیاد در این سیستم مالی، هدف فایده‌گرایی تنها هدف سیستم مالی جهانی، پیشه گرفتن بخش مالی از بخش واقعی اقتصاد، سفته بازی و اعطای وام بیش از حد توسط بانک‌ها. از جمله ویژگی‌های بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف می‌توان به مصونیت از سرمایه خارجی، تأکید بر دارایی‌ها به جای بدهی‌ها، تحقق عدالت بیشتر در جامعه، کارایی بیشتر سرمایه، افزایش ثبات در جامعه و منطبق بودن با اخلاق انسانی نام برد. اما بانکداری اسلامی در عمل نسبت به بانکداری متعارف با مشکلاتی مواجه است. بانکداران اسلامی برای پرداخت نرخ بازده مناسب تحت فشار هستند. زیرا بازده باید به گونه‌ای باشد که انگیزه کافی برای نگهداری سپرده‌هایشان وجود داشته باشد. در بانکداری متعارف اصل و سود تضمین شده است. اما در بانکداری اسلامی چون بیشتر از قراردادهای مشارکتی استفاده می‌کنند در سود و زیان هر دو طرف شریک هستند و این موجب می‌شود بانکداری اسلامی بیشتر در مواجهه با عدم تقارن اطلاعاتی قرار گیرد. در این مقاله راه کارهای زیر را برای مشکلات بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف ارائه شده است.

- باید دولت و بانک مرکزی به بودجه و پایه پولی و دیگر ضوابط اقتصادی پایبند باشد. اگر متغیرهای اقتصاد کلان به ثبات برسند مسلماً ریسک بازار و نا اطمینانی فعالان بازار کاهش پیدا می‌کند و عملاً سرمایه‌گذاری معنا پیدا می‌کند و سپس مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی افزایش خواهد یافت.

- یکی از مشکلات بانکداری اسلامی در قراردادهای مشارکتی عدم رعایت سرمایه‌گذاری در مورد توافق طرفین است. تسهیلات گیرنده به دلیل نبود امکان بررسی و نظارت از طرف بانک ممکن است سرمایه را در پروژه دیگر هزینه کند. ایجاد مؤسسه‌ای ناظر میان بانک و سرمایه‌گذارانی که با بانک عقد مشارکت می‌بندند زیر نظر بانک مرکزی می‌تواند این مسئله را کاهش دهد. ایجاد این مؤسسه موجب می‌شود که شفافیت بیشتری صورت گرفته و در زمانی که بانک و مشتری بر سر میزان سود حاصل از پروژه‌ها اختلاف نظر پیدا کنند. این مؤسسه نظر نهایی را صادر کند.

- یکی از عدم تقارن‌های اطلاعاتی که در مسئله بانک و سپرده‌گذاران پیش می‌آید مسئله خطر اخلاقی بین بانک و مشتری است که به این صورت است که بانک از حداکثر تلاش لازم برای سودآوری سرمایه سپرده‌گذاران خودداری کند. مثلاً مشاهده می‌شود که بانک‌ها به شرکت‌های بزرگ از محل سرمایه سپرده‌گذاران تسهیلات با نرخ سود پایین می‌پردازند تا بتوانند کلیه فعالیت‌های اقتصادی بنگاه را انجام داده و از آن‌ها کارمزد بگیرند و این کارمزد متعلق به بانک بوده و به سپرده‌گذار تعلق نمی‌گیرد. ایجاد انجمن‌ها چون خودشان در سود و زیان بانک‌ها نظارت دارند. به بانک‌ها اجازه نمی‌دهند سپرده‌های آن‌ها در پروژه‌ها کم سود سرمایه‌گذاری شود.

- بانک‌ها می‌توانند با تفکیک دارایی‌های خود بر ریسک‌ها مختلف، (که مسلماً بازدهی‌های متفاوتی دارد) امکان حق انتخاب را به سپرده‌گذاران خود بدهد و امکان مشارکت سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران در ریسک پروژه‌ها به وجود آید. به این صورت بانک‌ها می‌توانند به کسب و کارها زود بازده که ریسک و سود بالایی دارند تسهیلات اعطاء کنند و این تسهیلات را به سپرده‌گذاران پر ریسک منتقل کنند. در این شرایط بانک‌ها قادر خواهند بود که بیشتر سرمایه‌های خرد را جذب کنند. در این حالت سود از بخش واقعی اقتصاد نشأت خواهد گرفت و ثبات در اقتصاد به وجود خواهد آمد.

منابع

۱. اقبال، منور (۱۳۸۷)، «چالش‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی»، ترجمه حسین میسمی، مسلم یمانپور، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲. آنکتاد (۱۳۸۹)، «بحران مالی جهانی؛ راهکارها و سیاست‌های پیشنهادی (تحلیلی از آنکتاد)»، ترجمه: موسی موسوی زنوز و حمیده یزدانی، بررسی‌های بازرگانی، ش ۴۴.
۳. ادوارز، وارن (۱۳۸۵)، «بانکداری اسلامی، دریچه‌ای به سوی آینده/ مشابهت‌ها یا نزدیکی‌های بانکداری اسلامی با بانکداری سنتی»، ترجمه سید حسین علوی لنگرودی، بانک و اقتصاد، ش ۷۳، ص ۴۴-۳۸.
۴. بخشی دستجردی، رسول (۱۳۸۳)، «بررسی آثار و ریشه‌های بهره با تأکید بر نظریه بهره حیاتی ساموئلسون در چارچوب الگوی نسل‌های تداخلی»، پایان‌نامه دکتری اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
۵. بیدآباد، بیژن (۱۳۸۸)، «بانکداری بدون ربا در برابر بحران‌های اقتصادی»، بانک و اقتصاد، ش ۲۲.
۶. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، «پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری»، انتشارات توانگران.
۷. حسن‌زاده، علی و فوزمسلیمان، مسعود (۱۳۸۹)، «ارزیابی عملکرد بازار اوراق اسلامی صکوک در خلال بحران مالی جهانی»، تازه‌های اقتصاد، ش ۱۲۷، ص ۶۷-۵۴.
۸. حسین‌زاده بحرینی، محمد حسین (۱۳۸۷)، «بانکداری اسلامی: مانع یا زمینه‌ساز توسعه؟»، اقتصاد اسلامی و توسعه.
۹. حسینی، سید حسن (۱۳۸۵)، «بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود»، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۱ و ۲، ۵۱-۷.
۱۰. ظاهر، طارق و حسن، کبیر (۱۳۸۵)، «مطالعه تطبیقی مفاهیم تامین مالی در بانکداری اسلامی و متعارف»، حمید رضا غنی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. عیوضلو، حسین و میسمی، حسین (۱۳۸۷)، «بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف»، اقتصاد اسلامی، ش ۳۱.
۱۲. حسین (۱۳۸۸)، «تاثیر بحران‌های مالی بر بانکداری اسلامی»، مجموعه مقالات بیستمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران.

۱۳. کاظمی‌نژاد، فاطمه (۱۳۸۸)، «تفاوت توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف»، بانک و اقتصاد، ش ۱۰۱.
۱۴. مجتهد، احمد و حسن‌زاده، علی (۱۳۸۴)، «پول و بانکداری و نهادهای مالی»، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.
۱۵. موسویان، سید عباس (۱۳۸۱)، «آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای بهره»، اقتصاد اسلامی، ش ۵.
۱۶. موسویان، سید عباس (۱۳۸۳)، «بانکداری اسلامی»، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.
۱۷. نجات‌اللهی صدیقی، محمد (۱۳۸۳)، «تامین مالی اسلامی و مسایل فراروی آن: ویژگی‌ها و تعهدات نظام‌های اقتصادی اسلامی»، ترجمه سید حسین علوی لنگرودی، بانک و اقتصاد، ش ۴۶، ص ۵۳-۵۰.
۱۸. ندری، کامران، قلیچ، وحید و میسمی، حسین (۱۳۹۲)، «نقش نظام بانکداری اسلامی در کاهش زمینه‌های ایجاد بحران‌های مالی»، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، ش ۱۹، ص ۹-۴۴.
۱۹. نظریور، محمد، رضایی، فاطمه، خزایی، ایوب (۱۳۹۰)، «تأثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری اسلامی، اقتصاد اسلامی»، ش ۴۲، ۱۸۰-۱۴۹.
۲۰. واعظ‌برازانی، محمد و ایزدخواستی، حسین (۱۳۹۰)، «تحلیل نقش نرخ بهره پولی در بحران‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری: رویکرد اسلامی»، اقتصاد اسلامی، ش ۴۴.
۲۱. واعظ‌برازانی، محمد و دلالی اصفهانی، رحیم (۱۳۸۸)، «مبانی نظری بحران مالی جهانی و بررسی طرح پولی برون‌رفت»، مجموعه مقالات بیستمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران.

22. Al-Jarhi, Mabid Ali. (2002). "Islamic Finance: An Efficient and Equitable Option", Jeddah, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Mimio.
23. Chapra, M. U. (2007). "The Case Against Riba? Is It Compelling?", International Conference on Islamic Economics, University Brunei Darussalam and IRTI, Brunei, (august).

24. Chapra, M. U. (2008). "The Global Financial Crisis □: Can Islamic Finance Help Minimize The Severity and Frequency of Such a Crisis In The Future?", (april).
25. Goldstein, M., & Turner, P. (1998). "Banking crises in emerging economies: origins and policy options".
26. Institute of Latin American studies. (1986), The debt in latin America, Stockholm.
27. Lindgren, C.-J., Garcia, G. G., & Saal, M. I. (1996). Bank soundness and macroeconomic policy. International Monetary Fund.
28. Moisseron, J.-Y., & Teulon, F. (2008). "Are Moral Islamic Economics an Answer to the Global Financial Crisis? ", working paper.
29. Mishkin, Feredrick s. (2007). The economics of money, banking and financial market, United state of America, Columbia University.
30. Siddigi, M.N. (2004), "Riba, Bank Interest and The Rational of Its Prohibition", Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Mimio.
31. Stiglitz, Joseph. (2003), "Dealing with Debt: How to Reform the Global Financial System", Harvard Internatinal Review, Vol.11, NO2. Islamic banking features in reducing the financial crisis than conventional

